

## تحلیل جامعه‌شناختی رابطه سرمایه اجتماعی و دغدغه زیست‌محیطی

افشار کبیری، استادیار، گروه جامعه‌شناسی دانشگاه ارومیه، ایران\*

سارا کریم‌زاده، دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تبریز، ایران

### چکیده

مسائل زیست‌محیطی، از جمله موضوعات جدید مورد تأکید در جامعه‌شناسی است. بر همین اساس، پژوهش حاضر، رابطه بین سرمایه اجتماعی و دغدغه زیست‌محیطی را بررسی کرده است. در بررسی آثار سرمایه اجتماعی، به‌ویژه در پژوهش‌های قبلی در دهه‌های اخیر، دیدگاه‌ها و نتایج متفاوتی طرح شده است. برخی نتایج، نشان‌دهنده تأثیر مثبت سرمایه اجتماعی بر رفتارها و نگرش‌های زیست‌محیطی در درون کشورها است. در مقابل، برخی بر ناکافی بودن سرمایه اجتماعی در بهبود و ارتقای رفتارها و نگرش‌های زیست‌محیطی شهروندان تأکید کرده‌اند. در مبانی نظری، استدلال‌های موافقان و مخالفان مطرح شده است. روش تحلیل این مقاله، روش تطبیقی کمی، برپایه داده‌های موجود بوده و واحد تحلیل آن کشور و واحد مشاهده آن کشور/سال است. یافته‌های تجربی ناظر بر رگرسیون چندگانه نشان می‌دهد ۲۲ درصد تغییرات دغدغه زیست‌محیطی را سرمایه اجتماعی تبیین می‌کند. بر اساس این، می‌توان پیش‌بینی کرد سازه‌های منبعث از نظریه سرمایه اجتماعی همبستگی متوسط دغدغه زیست‌محیطی داشته و برای تبیین دغدغه زیست‌محیطی در سطح کلان، توان تبیینی بالایی ندارند. کلیدواژه‌ها: سرمایه اجتماعی، دغدغه زیست‌محیطی، تحلیل تطبیقی کمی.

## مقدمه و بیان مسأله

از دهه‌های آغازین سده بیستم، فشار توسعه صنعتی و کشاورزی، محیط زیست را به‌طور نمایانی تهدید می‌کرد (لوری و کمپ، ۱۳۸۶: ۱۷). روزبه‌روز آشکارتر می‌شد که سیستم‌های صنعتی پیچیده، هم از نظر سازمانی و هم از نظر فناوری، نیروی محرک اصلی هستند که محیط زیست را تخریب و بقای نوع بشر را در بلندمدت تهدید می‌کنند (کاپرا، ۱۳۷۶: ۱۳۴). اما بروز بحران‌های زیست‌محیطی از جمله تخریب لایه اوزون، افزایش دما و انقراض گونه‌ها، در اروپا و به‌ویژه در امریکا و البته به‌صورت دقیق‌تر، تشکیل اولین کنفرانس ملل متحد درباره محیط زیست در شهر استکهلم سوئد و تأسیس «یونپ»<sup>۱</sup> در آغاز دهه ۷۰ را باید سرآغاز مباحث جدی در حوزه مطالعات محیطی دانست (جعفرصالحی، ۱۳۸۶). از زمان آغاز جنبش زیست‌محیطی در ۳۰ سال گذشته، روان‌شناسان اجتماعی برای درک نیروهایی که باعث ایجاد نگرانی و دغدغه نسبت به موضوعات زیست‌محیطی در بین مردم می‌شوند، تلاش بسیاری کرده‌اند (Schultz & Zelezny, 1999:1).

درواقع همان‌گونه که بتون<sup>۲</sup> و ردکلیف<sup>۳</sup> مطرح کردند «فاز جدید دغدغه زیست‌محیطی موجب شد دانشمندان اجتماعی، نقشی وسیع‌تر، متفاوت‌تر و خلاقانه‌تر برای علوم اجتماعی در مباحث زیست‌محیطی قائل شوند» (1994: 1). در مباحث مربوط به جهت‌گیری افراد به موضوعات زیست‌محیطی، عقیلی و همکاران (۲۰۱۳۸۸) معتقدند در هر جامعه‌ای، افراد، برخورد به‌نسبت مشخصی در مورد محیط زیست دارند که ممکن است این برخورد کاملاً مسؤولانه و یا کاملاً غیرمسؤولانه و یا رفتاری بینابین این دو باشد. این طیف وسیع از برخوردها، تحت تأثیر متغیرها و عوامل بی‌شماری است که به‌طور عمده به محیط اجتماعی فرد مربوط می‌شود به‌زعم آن‌ها، این امر در قالب «نظریه کنش اجتماعی»<sup>۴</sup>

بررسی شدنی است (عقیلی و همکاران، ۱۳۸۸: ۲).

نگاهی اجمالی به مباحث مرتبط با بحث «سرمایه اجتماعی»<sup>۵</sup>، (بوردیو، ۱۳۸۴)، (کلمن، ۱۳۷۷) و (Putnam, 1993) نیز نشان می‌دهد سرمایه اجتماعی، به کنش اجتماعی معطوف است و درواقع سرمایه اجتماعی بخشی از ساختار اجتماعی است که به کنش‌گر اجازه می‌دهد با استفاده از آن به منابع خود دست یابد (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۷۶). اقتصاددانان، اغلب از سرمایه اجتماعی به منزله چسبی یاد می‌کنند که جامعه را به هم همبسته نگه می‌دارد (استیگلیتز<sup>۶</sup>، ۱۳۸۲) و مهم‌ترین نقش آن در توسعه، کاهش هزینه‌های معاملاتی مربوط به تعامل و رابطه بین کنش‌گران اجتماعی است (بیکر<sup>۷</sup>، ۱۳۸۲). فوکویاما نیز سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از هنجارهای موجود در سیستم‌های اجتماعی می‌داند که موجب ارتقای سطح همکاری اعضای آن جامعه و پایین آمدن هزینه‌های تبادلات و ارتباطات می‌شود (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۰۷). سرمایه اجتماعی منبع کنش جمعی است و کیفیت روابط اجتماعی در هر جامعه، نشان‌دهنده چگونگی سرمایه اجتماعی آن جامعه است (بیکر، ۱۳۸۲). در کشورهای توسعه‌نیافته، نبود سرمایه اجتماعی را حلقه مفقوده توسعه و رشد اقتصادی می‌دانند (بیکر، ۱۳۸۲). ارتباط بین محیط زیست و سرمایه اجتماعی<sup>۸</sup> نیز از جمله موضوعات جدیدی است که پژوهشگران زیست‌محیطی به آن توجه کرده‌اند (صالحی و امام‌قلی، ۱۳۹۱). هاری<sup>۹</sup> و استفان<sup>۱۰</sup> (2008)، گرافتون<sup>۱۱</sup> و نولز<sup>۱۲</sup> (2003)، اشام<sup>۱۳</sup> و همکاران پرتی<sup>۱۴</sup> و وارد<sup>۱۵</sup> (2001) و خوش‌فر و همکاران (۱۳۸۸) سطوح سرمایه اجتماعی بر ترجیحات زیست‌محیطی افراد و دولت‌ها تأثیری بسزا دارد (خوش‌فر و همکاران، ۱۳۸۸). همچنین نتایج پژوهش خوش‌فر و همکاران (۱۳۸۸) نشان می‌دهد

<sup>5</sup> Social capital

<sup>6</sup> Stiglitz

<sup>7</sup> Baker

<sup>8</sup> Social capital

<sup>9</sup> Hari

<sup>10</sup> Astephan

<sup>11</sup> Grafton

<sup>12</sup> Knowles

<sup>13</sup> Isham

<sup>14</sup> Pretty

<sup>15</sup> Ward

<sup>1</sup> UNEP

<sup>2</sup> Benton

<sup>3</sup> Radclift

<sup>4</sup> Social action theory

انسانی<sup>۴</sup>، سرمایه فرهنگی<sup>۵</sup> - که متشکل از منزلتی است که به واسطه دانش، تحصیلات و مهارت به دست می‌آید - و سرمایه طبیعی<sup>۶</sup> (1990, 2001). سرمایه فرهنگی، به شدت به سرمایه اجتماعی نزدیک است؛ زیرا به واسطه شبکه‌های اجتماعی می‌تواند به کار گرفته شود (Portes, 1998) و یا حتی شکلی از سرمایه اجتماعی در نظر گرفته شود (Gould, 2001). سرمایه فیزیکی نیز دربرگیرنده ابزار و آلات و اشیای فیزیکی و بی‌جان در زندگی است که حتی گاهی اوقات به پول - سرمایه اقتصادی - به مثابه شیئی فیزیکی اشاره می‌کنند. در همین زمینه، سرمایه طبیعی نیز به منابع زیست‌محیطی اشاره دارد که به گونه‌ای طبیعی ایجاد شده‌اند (Pearce & Barbier, 2000).

این تصور وجود دارد که سطوح بالای سرمایه اجتماعی، به چهار شیوه، سبب فزونی مزایای غیرزیست‌محیطی<sup>۷</sup> می‌شوند که در مبانی نظری سرمایه اجتماعی، به آن‌ها اشاره شده است که برای تولید پایداری زیست‌محیطی، اهمیت دارند: ۱. مزایای سرمایه اجتماعی با توزیع و بسیج منابع و اطلاعات که با شبکه‌های اجتماعی<sup>۸</sup> اجرایی است (Putnam, 2000: 289)، ۲. شبکه‌های اجتماعی، هنجارهای مشترک را با ضمانت‌های اجرایی مثبت و منفی‌ای به اجرا می‌گذارند که به ایجاد همکاری فعالانه‌تر در تلاش مشترک منجر می‌شوند (Wakefield, 2003:24)، ۳. تصور می‌شود اعتماد اجتماعی ریسک همکاری را کمتر می‌کند، از این رو «تجارت و تعامل اجتماعی، هزینه کمتری تحمیل می‌کنند» (Wakefield et al., 2000:288) و در نهایت، تصور می‌شود سرمایه اجتماعی، شهروندان مفیدتر و با تفکر مدنی ایجاد می‌کند (Wakefield et al., 2007).

از نظر پاتنام منظور از سرمایه اجتماعی، وجوه گوناگون سازمان‌های اجتماعی نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها است که با ایجاد و تسهیل امکانات هماهنگ، کارایی جامعه را

سرمایه اجتماعی، همبستگی مثبت و قوی با رفتارهای مسؤولانه نسبت به محیط زیست دارد. گرافتون و نولز (2003) معتقدند طیف گسترده‌ای از عوامل تعیین‌کننده اجتماعی که سرمایه اجتماعی نیز جزء آن‌ها است، تأثیر در خور توجهی بر کیفیت محیط زیست دارند (Grafton & Knowles, 2003)؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت تمرکز سرمایه اجتماعی بر کنش میان انسان‌ها است و از آنجا که نگرش‌ها، باورها و دغدغه‌های زیست‌محیطی نیز بخشی از رویکردها و جهت‌گیری‌های روزمره زندگی افراد است، به نظر می‌رسد سرمایه اجتماعی بر جهت‌گیری‌های زیست‌محیطی نیز تأثیر داشته باشد. از این رو در این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این پرسش هستیم که سرمایه اجتماعی چه تأثیری بر دغدغه زیست‌محیطی افراد دارد و به چه میزان می‌تواند آن را متأثر کند؟

## مبانی نظری و پیشینه تجربی

### سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی شامل سرمایه و منابع حاصل از نهادها، روابط و هنجارهایی است که کنش متقابل اجتماعی جامعه را به لحاظ کمی و کیفی شکل می‌دهد (چلبی، ۱۳۸۴: ۳).

از نظر «بوردیو» نیز سرمایه اجتماعی حاصل جمع منابع بالقوه و بالفعلی است که نتیجه مالکیت شبکه بادهوامی از روابط نهادی شده بین افراد و به عبارت ساده‌تر، عضویت در یک گروه است. البته سرمایه اجتماعی مستلزم شرایطی به مراتب بیشتر از وجود صرف شبکه پیوندها است. در واقع، پیوندهای شبکه‌ای باید از نوع خاصی باشند؛ یعنی مثبت و مبتنی بر اعتماد روابط نهادی شده مبتنی بر اعتماد بدون رعایت تکالیف و حقوق متقابل ممکن نیست (شارع‌پور و خوش‌فر، ۱۳۸۱).

کلمن (۱۳۷۷) از انواع مختلف سرمایه نام می‌برد: سرمایه اقتصادی<sup>۱</sup>، سرمایه مالی<sup>۲</sup>، سرمایه فیزیکی<sup>۳</sup>، سرمایه انسانی<sup>۴</sup>،

<sup>4</sup> Human capital

<sup>5</sup> Cultural capital

<sup>6</sup> Natural capital

<sup>7</sup> Non- environmental benefits

<sup>8</sup> Social networks

<sup>1</sup> Economic capital

<sup>2</sup> Financial capital

<sup>3</sup> Physical capital

گذاشته است و این در حالی است که سرمایه اجتماعی فزونی گرفته است؛ ولی در عین حال، مردم اشتغال، امنیت، سلامت و شادی کمتری تجربه کرده‌اند (Van Rooy, 2001).

برخی معتقدند سرمایه اجتماعی، دو بعد اساسی دارد: اعتماد اجتماعی<sup>۴</sup> و مشارکت اجتماعی<sup>۵</sup> (ساعی و همکاران، ۱۳۹۰). اعتماد، لازمه شکل‌گیری پیوندها و معاهدات اجتماعی است (اکبری، ۱۳۸۳) و یکی از ابعاد اصلی سرمایه اجتماعی است که آمادگی بالقوه شهروندان برای همکاری و تعامل با یکدیگر و آمادگی آن‌ها را برای واردشدن در فعالیت‌های اجتماعی نشان می‌دهد (ساعی و همکاران، ۱۳۹۰). از این‌رو، در سطح خرد، اعضای جامعه به هم اعتماد می‌کنند و بر مبنای این اعتماد، به تشکیل گروه‌ها و سازمان‌های جدید و همکاری در چارچوب آن‌ها مبادرت می‌کنند (ساعی و همکاران، ۱۳۹۰).

آنتونی گیدنز، اعتماد و تأثیر آن بر فرایند توسعه را زیربنا و زمینه‌ساز اصلی در جوامع مدرن می‌داند (اکبری، ۱۳۸۳)، به گونه‌ای که در سطح کلان و با بالارفتن اعتماد اجتماعی، مشارکت و همیاری مردم در عرصه‌های اجتماعی بیشتر و آسیب‌های اجتماعی کمتر می‌شود (اکبری، ۱۳۸۳)؛ بنابراین مشارکت اجتماعی را فرایندی سازمان‌یافته می‌توان دانست که از سوی افراد جامعه به صورت آگاهانه، داوطلبانه و جمعی با در نظر داشتن هدف‌های معین و مشخص برای سهیم‌شدن در منابع قدرت انجام می‌گیرد. شهود چنین مشارکتی، وجود نهادهای مشارکتی چون انجمن‌ها، گروه‌ها، سازمان‌های محلی و غیردولتی است (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳: ۲۹۲).

### دغدغه زیست‌محیطی

همبستگی بین دغدغه زیست‌محیطی و رفتارهای معنادار زیست‌محیطی را پژوهشگران پیشین بررسی کرده‌اند.

مروری بر پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد دغدغه زیست‌محیطی، متغیری مهم برای تبیین تغییرات رفتار معنادار زیست‌محیطی در نظر گرفته شده است و بیشتر نتایج،

می‌توانند بهتر کنند (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳: ۲۷۸). پاتنام مدعی است «ایده مرکزی نظریه سرمایه اجتماعی این است که شبکه‌های اجتماعی ارزشمند هستند». او سرمایه اجتماعی را به‌مثابه «رابطه‌های بین افراد- شبکه‌های اجتماعی<sup>۱</sup> و هنجارهای عمل متقابل و قابل اعتمادی می‌داند که از آن‌ها نشأت می‌گیرند (putnam, 2000: 18-19). در واقع پاتنام معتقد است رابطه درون شبکه‌های اجتماعی، هنجارها و اعتماد<sup>۲</sup>، علی‌الاصول است: شبکه‌های اجتماعی متراکم، هنجارها و اعتماد تولید می‌کنند (Thoyre, 2008: 10). این شبکه‌ها می‌توانند رسمی یا غیررسمی باشند (McMicheal, 2007: 2).

هنجارها نیز حالت‌های تفکر هستند و در زندگی روزانه به گونه‌ای که انتظار می‌رود، عمل می‌کنند و به گونه‌ای اجتماعی در بستر فرهنگ موجود خلق می‌شوند. اعتماد، مردم را تشویق می‌کند به شیوه‌های رفتاری دست بزنند که ممکن است آن‌ها را با موقعیت‌های آسیب‌پذیر مواجه کنند و عمل متقابل، انتظاری است که می‌تواند واکنش اعتماد، کنش و نظایر آن باشد (Devine Wright et al., 2001)؛ اما باید گفت مفهوم اساسی سرمایه اجتماعی، مفهوم جدیدی نیست. ایده مشارکت در زندگی جمعی، سازمان‌ها و اعتماد به همسایه - و یا حتی غریبه - مفاهیمی هستند که مردم، آن‌ها را درک می‌کنند. دانشمندان اجتماعی پرآوازه‌ای همچون دورکیم و مارکس نیز بدون اشاره مستقیم به «سرمایه اجتماعی» مباحث مشابهی درباره این موضوعات اساسی داشته‌اند (Portes, 1998).

این مفهوم در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی، به واسطه پیر بوردیو، جیمز کلین و رابرت پاتنام، بسیار گسترده بود. بوردیو و کلین، درباره قابلیت تبدیل سرمایه اجتماعی به انواع دیگر سرمایه، مثلاً سرمایه اقتصادی و انسانی بحث می‌کنند. یافته‌های پژوهش‌های پاتنام نشان می‌دهد از سال‌های دهه ۶۰ به این سو، تعداد افراد درگیر در سازمان‌ها و فعالیت‌های مدنی (مانند شاخص‌های سرمایه اجتماعی) رو به کاهش

<sup>1</sup> Social network

<sup>2</sup> Norm

<sup>3</sup> Trust

<sup>4</sup> Social trust

<sup>5</sup> Social Participation

(2004)، برنگوئر<sup>۱۱</sup> و همکاران (2005)، کیلبرنه<sup>۱۲</sup> و پیکت<sup>۱۳</sup> (2008) نیز که همبستگی بین دغدغه زیست‌محیطی و رفتارهای مختلف معنادار زیست‌محیطی را بررسی کرده‌اند، نشان می‌دهند رابطه مثبت و معناداری بین این دو متغیر وجود دارد و از این رو می‌توان ادعا کرد افزایش دغدغه زیست‌محیطی به افزایش احتمال رفتار محیط زیست‌گرایانه می‌تواند منجر شود (Salehi: 2010: 61).

اگرچه بیشتر مطالعات پیشین، رابطه‌ای مثبت بین دغدغه زیست‌محیطی و رفتار معنادار زیست‌محیطی را تأیید کرده‌اند؛ برخی مطالعات نیز نشان‌دهنده نبود وجود رابطه بین این دو متغیر هستند؛ برای مثال، سامدهال<sup>۱۴</sup> و روبرتسون<sup>۱۵</sup> (1989)، دریافتند دغدغه زیست‌محیطی، به‌طور معناداری رفتار اکولوژیکی را پیش‌بینی نمی‌کند ( $r = 0/40$ ). همچنین مطالعه گوکن<sup>۱۶</sup> و همکاران (2002) در ترکیه نشان داد پاسخگویان به پرداخت مالیات برای تغییر موضع از توجه به دغدغه‌های زیست‌محیطی محلی به دغدغه‌های زیست‌محیطی جهانی تمایل کمتری دارند (Goken et al., 2002: 62).

به نظر می‌رسد موضوع عمده‌ای که با توجه به نتایج مطالعات پیشین در مورد دغدغه زیست‌محیطی این است که پژوهشگران پیشین از گویه‌های متفاوتی برای سنجش دغدغه زیست‌محیطی استفاده کرده‌اند؛ برای مثال در حالی که برنگوئر و همکاران (2005) از دو گویه برای سنجش دغدغه زیست‌محیطی بهره گرفتند، اورسن و راندمو (2002) از ۱۱ گویه و ویگل و ویگل (1978) از ۱۶ گویه مختلف برای این امر استفاده کردند. این شیوه‌های متفاوت در سنجش دغدغه زیست‌محیطی، در ترسیم یک نتیجه نهایی از مطالعات پیشین و یا تعمیم‌دادن آن‌ها به دیگر موقعیت‌ها مشکل ایجاد می‌کند (Weigel & Weigel, 1978).

نشان‌دهنده وجود رابطه مثبت بین دغدغه زیست‌محیطی و رفتار معنادار زیست‌محیطی هستند (Salehi, 2010: 60)؛ برای مثال، نتایج پژوهش ویگل و ویگل (1978) که روی دو نمونه آمریکایی اما به لحاظ جغرافیایی و زمانی متفاوت انجام شد، به‌شدت از این فرضیه حمایت کرد که دغدغه زیست‌محیطی می‌تواند تغییرات رفتاری ملموسی را در ارتباط با موضوعات زیست‌محیطی پیش‌بینی کند (Weigel & Weigel, 1987). بلاکر<sup>۱</sup> (1989)، ایکبرگ<sup>۲</sup> (1997) و موهای<sup>۳</sup> (1992) نیز پژوهش‌های مستمری در راستای تئوریزه کردن رابطه بین جنسیت و دغدغه‌های زیست‌محیطی با دقت انجام داده‌اند.

نتیجه این پژوهش‌ها نشان داد زنان به‌طور عمده نسبت به مردان، نگرانی و دغدغه‌های زیست‌محیطی بیشتری دارند. در این مطالعات، چند عامل احتمالی برای این منظور ذکر شده است: اول اینکه، تفاوت‌های جنسیتی، در تجربه‌ها و تأثیرات والدین ریشه دارد؛ برای مثال برای مردان، وظایف والدینی نسبت به زنان به نگرانی‌های زیست‌محیطی کمتری منجر می‌شود.

دیگر متغیرهای مداخله‌گری که در این پژوهش‌ها نامی از آن‌ها دیده می‌شود، میزان مشارکت در نیروی کار و اجتماعی‌شدن اخلاقی بودند. دایترز<sup>۴</sup> و همکاران معتقدند تلاش‌ها برای تبیین دغدغه‌های زیست‌محیطی به‌مثابه کارکرد ساختار اجتماعی، نشان‌دهنده پیوستگی ضعیف اما قابل اعتمادی بین آن‌ها است. این مطالعه پیوستگی قوی بین دغدغه‌های زیست‌محیطی و متغیرهای اجتماعی-روان‌شناختی از قبیل نگرش‌ها، باورها و جهان‌بینی‌ها نشان داد (Dietz et al., 1998: 11-13).

نتایج پژوهش‌های اسکان<sup>۵</sup> و هولزر<sup>۶</sup> (1990) و ایورسن<sup>۷</sup> و ایورسن<sup>۷</sup> و راندمو<sup>۸</sup> (2002)، بار<sup>۹</sup> (2003)، تانگلت<sup>۱۰</sup> و هران

<sup>1</sup> Blocker

<sup>2</sup> Eckberg

<sup>3</sup> Mohai

<sup>4</sup> Dietz

<sup>5</sup> Schahn

<sup>6</sup> Holzer

<sup>7</sup> Iversen

<sup>8</sup> Rundmo

<sup>9</sup> Barr

<sup>10</sup> Tonglet

<sup>11</sup> Berengur

<sup>12</sup> Kilbourne

<sup>13</sup> Pickett

<sup>14</sup> Samdhal

<sup>15</sup> Robertson

<sup>16</sup> Goken

## دغدغه زیست‌محیطی و سرمایه اجتماعی

در جهان در حال توسعه، پژوهش‌های مرتبط با سرمایه اجتماعی و محیط زیست روند رو به گسترشی داشته است (McMicheal, 2007: 4).

تقریباً تمرکز نیمی از دوازده مطالعه انجام‌شده تا سال 2007 که از روش‌های کیفی و کمی برای جمع‌آوری اطلاعات در کشورهای در حال توسعه استفاده کرده‌اند، بر موضوعات زیست‌محیطی محلی مانند ذخیره آب و مدیریت پسماند<sup>۱</sup> بوده است. مطالعات نشان می‌دهد سطوح بالای سرمایه اجتماعی، نتایج مثبتی از قبیل اتخاذ کنش جمعی<sup>۲</sup> در مواجهه با مسائل زیست‌محیطی برای اجتماعات دارد (McMicheal, 2007: 31). بانک جهانی از این هم فراتر می‌رود و ادعا می‌کند سرمایه اجتماعی، نوعی دارایی برای حفاظت زیست‌محیطی است؛ زیرا پتانسیل بسیج جوامع، تسهیل به اشتراک‌گذاری اطلاعات حیاتی و تحریک سازمان‌ها در جهت حرکت به سمت توسعه دارد (The World Bank, 2004)؛ اما همه پژوهش‌ها نشان نمی‌دهند سرمایه اجتماعی لزوماً برای محیط زیست خوب است. برای ارزیابی تأثیر سرمایه اجتماعی - مدنی و عمومی - واگرایی اجتماعی<sup>۳</sup> و ظرفیت اجتماعی بر عملکردهای زیست‌محیطی ملی، گرافتمن و نولتز (2003) بر پایه داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی<sup>۴</sup> و مجموعه داده‌هایی در مورد عملکردهای زیست‌محیطی در دانشگاه‌های کلمبیا و ییل، تحلیل مقطعی در سطح کلان به اجرا گذاشتند (McMicheal, 2007:5). متغیرهای سرمایه اجتماعی شامل اعتماد، داوری و توجیه رفتارهای خاص، مشارکت فعالانه در سازمان‌های داوطلبانه و پاسخگویی روزافزون حکومت است. متغیرهای زیست‌محیطی نیز دربرگیرنده شاخص زیست‌محیطی در حالت کلی، متغیر نظام‌های زیست‌محیطی، کیفیت آب و هوا و غلظت آلاینده‌های شهری را شامل می‌شدند. آن‌ها دریافتند سطوح بالای سرمایه اجتماعی و

متغیرهای مربوط، با سطوح بهتر عملکردهای زیست‌محیطی ملی، لزوماً پیوستگی ندارند (Grafton & Knowles, 2003: 17). نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد «صرف وجود سرمایه اجتماعی، شرط کافی برای بهبود برودادهای زیست‌محیطی ملی نیست» (Grafton & Knowles, 2003: 17).

## روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به‌لحاظ هدف، تبیینی است که برای آزمون فرضیه‌ها از روش تطبیقی کمی<sup>۵</sup> استفاده شده است و برحسب برحسب گردآوری داده‌ها، نوعی تحلیل ثانویه برپایه داده‌های موجود است. منظور از تحلیل داده‌های ثانویه، مطالعه مسائل پژوهشی مبتنی بر داده‌های گردآورده دیگران است (فرانکفورد و نجمیاس، ۱۳۸۱: ۴۴۰). واحد تحلیل این پژوهش، کشور است. در این پژوهش، نمونه‌گیری به معنای روش‌های متعارف کمی انجام نشده است، بلکه سعی شده است بر اساس استراتژی تمام‌شمار و روش حذف لیستی<sup>۶</sup> کلی، همه موردهای مرتبط بررسی شوند که برای انجام مقایسه، داده داشتند. در مجموع به‌دلیل نبود داده برای برخی از کشورها در برخی متغیرها، تعداد نمونه پژوهش به ۴۲ مورد محدود شد. داده‌های استفاده‌شده در این پژوهش مبتنی بر داده‌های به‌دست‌آمده از موج چهارم پروژه بررسی ارزش‌های جهانی (WVS) اینگلهارت و گروه پژوهش است که از اواسط دهه 1980 میلادی فعالیت خود را آغاز کرده‌اند و نتیجه آن فراهم کردن پایگاه داده‌ای بسیار غنی است که امکان مطالعات مقایسه‌ای ملی و فراملی را فراهم کرده است. این پروژه در چهار مرحله به اجرا درآمده است که آخرین مرحله آن (سال‌های 2001-2000 میلادی) اطلاعات خام مربوط به ایران جمع‌آوری شده است (آزاد ارمکی و ملکی، ۱۳۸۵). در این پژوهش سعی بر این است با داده‌های موجود، علاوه بر سنجش میزان دغدغه زیست‌محیطی در کشورهای مختلف، میزان تأثیرپذیری دغدغه زیست‌محیطی از سرمایه اجتماعی نیز در این کشورها بررسی شود.

<sup>1</sup> Waste management

<sup>2</sup> Collective action

<sup>3</sup> Social divergence

<sup>4</sup> World Values Survey

<sup>5</sup> Quantitative Comparative Method

<sup>6</sup> listwise

## تعریف عملیاتی مفاهیم

## الف: دغدغه زیست‌محیطی

سودارمدی<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۰۱) دغدغه زیست‌محیطی یا آگاهی از مسائل زیست‌محیطی را «توجه، نگرانی و حساسیت پاسخگویان به مشکلات زیست‌محیطی» تعریف می‌کنند (Sudarmadi et al., 2001). برای سنجش عملیاتی دغدغه زیست‌محیطی در این پژوهش از ۶ گویه استفاده شده است که اینگلهارت و همکارانش برای سنجش دغدغه زیست‌محیطی افراد در موج چهارم و پنجم پیمایش ارزش‌های جهانی<sup>۲</sup> جمع و گردآوری کرده‌اند. این گویه‌ها که در جدول ۱ به آن‌ها اشاره شده است، میزان نگرانی پاسخگویان را نسبت به مسائل و مشکلات عمده زیست‌محیطی در قرن حاضر می‌سنجند.

## جدول ۱- گویه‌های سنجش دغدغه زیست‌محیطی

گویه
کیفیت بد آب
وضعیت بد هوا
فاضلاب و بهداشت نامناسب
افزایش درجه حرارت کره زمین
از دست رفتن کره زمین یا انواع موجودات و تنوع زیستی
آلودگی رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و اقیانوس‌ها

## ب: سرمایه اجتماعی

در این پژوهش، برای ارزیابی مفهوم سرمایه اجتماعی، دو بعد مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی در نظر گرفته شده است. ازکیا و غفاری (۱۳۸۳) معتقدند مشارکت اجتماعی، فرایند سازمان‌یافته‌ای است که از سوی افراد جامعه به صورت آگاهانه، داوطلبانه و جمعی با در نظر داشتن هدف‌های معین و مشخص برای سهیم شدن در منابع قدرت انجام می‌گیرد. شهود چنین مشارکتی، وجود نهادهای مشارکتی چون انجمن‌ها، گروه‌ها، سازمان‌های محلی و غیردولتی است (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳: ۲۹۳). برای ارزیابی بعد مشارکت اجتماعی، از معرف‌های تجربی تعلق یا عضویت در انجمن‌های داوطلبانه استفاده شده است که شامل گروه‌ها و انجمن‌های هنری،

آموزشی، فرهنگی، عضویت در اتحادیه‌های حرفه‌ای، احزاب و گروه‌های سیاسی، گروه‌های محلی و ورزشی و تفریحی، سازمان‌های مذهبی و مؤسسات خیریه است (ساعی و همکاران، ۱۳۹۰). میزان عضویت برای هر یک از موارد، بر مبنای درصد هر یک از این معرف‌ها محاسبه شده است. داده‌های لازم برای ارزیابی بعد مشارکت اجتماعی از مجموعه داده‌های موج پنجم پیمایش ارزش‌های جهانی اینگلهارت و همکارانش جمع‌آوری شده است. این گویه‌ها که در جدول ۲ به آن‌ها اشاره شده است، میزان مشارکت اجتماعی پاسخگویان را در سازمان‌ها و نهادهای مختلف می‌سنجند.

## جدول ۲- گویه‌های سنجش مشارکت اجتماعی

گویه
عضویت در کلیسا یا سازمان‌های مذهبی
عضویت در سازمان‌های ورزشی و تفریحی
عضویت در سازمان‌های آموزشی، هنری
عضویت در اتحادیه‌های کاری
عضویت در احزاب سیاسی
عضویت در سازمان‌های زیست‌محیطی
عضویت در انجمن‌های حرفه‌ای
عضویت در سازمان‌های خیریه
عضویت در سازمان‌های مصرفی

اعتماد اجتماعی نیز عبارت است از انتظارات و تعهدات اکتسابی و تأییدشده به لحاظ اجتماعی که افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی دارند (زاهدی و همکاران، ۱۳۸۷). برای ارزیابی بعد اعتماد اجتماعی نیز از معرف‌های تجربی میزان اعتماد به سازمان‌های مختلف، ارگان‌ها، اعتماد به دولت و احزاب سیاسی، NGOها، سازمان حفاظت از محیط زیست و از این دست استفاده شده است. داده‌های لازم برای ارزیابی بعد اعتماد اجتماعی نیز مانند دو متغیر دغدغه زیست‌محیطی و بعد مشارکت اجتماعی، از مجموعه داده‌های موج چهارم و پنجم پیمایش ارزش‌های جهانی اینگلهارت و همکارانش جمع‌آوری شده است. این گویه‌ها که در جدول ۳ به آن‌ها اشاره شده است، میزان اعتماد اجتماعی پاسخگویان را نسبت به نهادهای شرکت‌ها و سازمان‌های مختلف می‌سنجند.

<sup>۱</sup> Sudarmadi<sup>۲</sup> WVS

## جدول 3- گویه‌های سنجش اعتماد اجتماعی

گویه

اعتماد به کلیسا  
اعتماد به نیروهای مسلح  
اعتماد به نظام آموزشی  
اعتماد به رسانه‌ها  
اعتماد به تلویزیون  
اعتماد به اتحادیه‌های کارگری  
اعتماد به پلیس  
اعتماد به حکومت  
اعتماد به احزاب سیاسی  
اعتماد به مجلس  
اعتماد به نظام خدمات شهری  
اعتماد به شرکت‌های بزرگ  
اعتماد به سازمان حفاظت از محیط زیست  
اعتماد به سازمان‌های زنان  
اعتماد به سازمان‌های خیریه و انسان‌دوستانه

## یافته‌های تجربی پژوهش

در این بخش از مقاله، یافته‌های پژوهش در دو سطح توصیفی و تبیینی ارائه شده است. در سطح توصیفی، چگونگی توزیع و تمرکز موردهای مطالعه شده برحسب مفاهیم و متغیرهای مورد مطالعه توصیف شده است. در سطح تحلیل تبیینی، رابطه علی متغیرها آزمون و وزن هر یک از متغیرها در برآورد واریانس متغیر وابسته مشخص شده است. در این پژوهش به دلیل نبود داده برای برخی از کشورها، با استفاده از روش حذف لیستی تعداد موارد معتبر به 42 مورد کاهش یافت. تحلیل توصیفی برای متغیرهای اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و دغدغه زیست محیطی انجام شد.

## جدول 4- میانگین نمرات کشورهای مورد تحلیل برحسب متغیرهای پژوهش

کشور	دغدغه زیست محیطی	سرمایه اجتماعی	مشارکت اجتماعی	اعتماد اجتماعی	کشور	دغدغه زیست محیطی	سرمایه اجتماعی	مشارکت اجتماعی	اعتماد اجتماعی
گرجستان	3/43	3/24	0/39	2/85	سوئد	2/56	3/15	0/6	2/55
اردن	2/35	3/22	0/41	2/72	سوئیس	2/88	3/15	0/61	2/54
ترکیه	2/69	2/92	0/34	2/58	کانادا	3/03	3/16	0/62	2/54
بلغارستان	3/54	3/03	0/75	2/28	اندونزی	3/24	3/30	0/63	2/67
رومانی	3/07	3	0/68	2/32	امریکا	3/09	3/08	0/66	2/42
مراکش	3/61	3/32	1/29	2/61	آفریقای جنوبی	3/24	3/19	0/45	2/74
صربستان	3/57	2/56	0/46	2/13	اتیوپی	3/51	2/83	0/5	2/33
اکراین	3/57	3/23	0/93	2/30	غنا	3/18	3/57	0/75	2/82
اوروگوئه	3/07	2/85	0/77	2/08	زامبیا	2/94	3/05	0/56	2/49
چین	2/84	3/05	0/78	2/27	مالی	3/58	3/49	0/58	2/91
لهستان	3/35	3/23	0/92	2/31	هند	3/26	3/74	0/76	2/98
ژاپن	3/04	3	0/64	2/36	اسلوانی	2/90	2/59	0/43	2/16
تایوان	2/89	2/54	0/36	2/18	کره جنوبی	2/95	2/93	0/44	2/49
قبرس	3/52	3/45	0/88	2/57	ایران	3/60	2/96	0/45	2/51
آلمان	2/60	3/34	1/06	2/28	مالزی	3/03	3/32	0/46	2/86
ویتنام	3/15	2/68	0/17	2/48	شیلی	3/29	2/87	0/49	2/38
آرژانتین	3/66	2/44	0/41	2/03	تایلند	2/70	2/92	0/52	2/40
پرو	3/59	2/48	0/48	2	برزیل	3/24	2/98	0/53	2/45
ایتالیا	2/99	2/82	0/43	2/39	فنلاند	2/68	3/20	0/56	2/64
مکزیک	3/33	2/95	0/58	2/37	نروژ	2/68	3/19	0/57	2/62
مصر	3/78	3	0/58	2/42	استرالیا	3/12	2/81	0/4	2/41

(مستخرج از نتایج پیمایش ارزش‌های جهانی موج چهارم و پنجم)



جدول ۵- آماره‌های توصیفی برحسب سازه‌های پژوهش

تعداد موارد	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف استاندارد	
۴۲	۰/۱۷	۱/۲۹	۰/۶۲	۰/۲۴	مشارکت اجتماعی
۴۲	۲	۳/۴۸	۲/۴۹	۰/۲۹	اعتماد اجتماعی
۴۲	۲/۳۹	۳/۷۸	۳/۱۸	۰/۳۴	دغدغه زیست‌محیطی
۴۲	-	-	-	-	تعداد موارد معتبر

یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد میانگین مشارکت اجتماعی برابر با ۰/۶۲، انحراف معیار آن برابر با ۰/۲۴، مقدار بیشینه آن برابر ۱/۲۹ و مقدار کمینه آن برابر با ۰/۱۷ است. میانگین اعتماد اجتماعی برابر با ۲/۴۹ است. انحراف معیار آن برابر با ۰/۲۹، مقدار بیشینه آن برابر با ۳/۴۸ و مقدار کمینه برابر با ۲ است. میانگین دغدغه زیست‌محیطی برابر ۳/۱۸، انحراف معیار آن برابر ۰/۳۴، مقدار بیشینه آن ۳/۷۸ و مقدار کمینه آن ۲/۳۹ است. مقایسه آماره‌های توصیفی نشان می‌دهد تفاوت دغدغه زیست‌محیطی در میان کشورهای مورد بررسی با انحراف معیار ۰/۳۴ بیشتر از تفاوت در میزان مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی است. آماره‌های توصیفی سازه‌های پژوهش در جدول ۵ منعکس شده است. همبستگی دو متغیری پژوهش در جدول زیر آورده شده است.

جدول ۶- همبستگی دو متغیری برحسب سازه‌های پژوهش

متغیر	دغدغه زیست‌محیطی	سرمایه اجتماعی	اعتماد اجتماعی	مشارکت اجتماعی
دغدغه زیست‌محیطی	۱	۰/۴۷	۰/۴۵	۰/۹
سرمایه اجتماعی	۰/۴۷	۱	-	-
اعتماد اجتماعی	۰/۴۵	-	۱	-
مشارکت اجتماعی	۰/۹	-	-	۱

همان‌گونه که در جدول بالا ملاحظه می‌شود همبستگی متغیر وابسته، یعنی دغدغه زیست‌محیطی با سرمایه اجتماعی، در حد متوسط و به میزان ۰/۴۷ است. همچنین همبستگی بین اعتماد اجتماعی با دغدغه زیست‌محیطی و مشارکت اجتماعی با دغدغه زیست‌محیطی به ترتیب ۰/۴۵ و ۰/۹ است. برای تبیین متغیر دغدغه زیست‌محیطی از آزمون رگرسیون استفاده شده است. نتایج کاربرد این تکنیک نشان می‌دهد سرمایه اجتماعی، همبستگی تقریباً متوسطی با دغدغه

زیست‌محیطی دارد ( $R=0/47$ ). نتایج آزمون رگرسیونی هم نشان می‌دهد متغیر سرمایه اجتماعی، با ترکیب اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی، فقط ۲۲ درصد از واریانس متغیر دغدغه زیست‌محیطی را تبیین می‌کند که نشان می‌دهد ۷۸ درصد از واریانس دغدغه زیست‌محیطی بدون تبیین باقی مانده است. مقدار  $F$  محاسبه شده برای آزمون غیرتصادفی بودن مقدار  $R^2$  معادل ۱۲/۴۱ به دست آمده است که در سطح بالایی از اطمینان، معنادار است ( $p=0/001$ ).

جدول ۷- ضرایب رگرسیونی متغیر دغدغه زیست‌محیطی

متغیرهای مستقل	مقدار B	خطای استاندارد	مقدار بتا	مقدار t	سطح معناداری
سرمایه اجتماعی	۰/۵۱	۰/۴۶	۰/۴۷	۳/۳۷	۰/۰۰۱
مقدار ثابت	۱/۵۶	۰/۱۴	-	۳/۵۲	۰/۰۰۲
	$R^2=0/22$	$R = 0/47$	$F=12/41$		$Sig=0/001$

اجتماعی با دغدغه زیست‌محیطی 0/45، میزان همبستگی مشارکت اجتماعی با دغدغه زیست‌محیطی 0/9 و میزان همبستگی دغدغه زیست‌محیطی با سرمایه اجتماعی برابر با 0/47 است.

در کل، یافته‌های تجربی حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد سرمایه اجتماعی با دغدغه زیست‌محیطی همبستگی نسبتاً خوبی دارد. بر اساس یافته‌های تجربی موجود در تابع رگرسیون غیراستاندارد می‌توان گفت اگر تأثیرات متغیر سرمایه اجتماعی را ثابت نگه داریم، مقدار دغدغه زیست‌محیطی برابر با 1/56 است؛ یعنی متوسط میزان دغدغه زیست‌محیطی در بین کشورهای مورد مطالعه چیزی معادل 1/56 بوده است که به‌ازای یک واحد افزایش در میزان سرمایه اجتماعی 0/51 واحد افزایش در میزان دغدغه زیست‌محیطی تخمین‌زدنی است.

در تحلیل تأثیر و نقش سازه‌های سرمایه اجتماعی در تبیین واریانس دغدغه زیست‌محیطی نیز یافته‌های تجربی نشان می‌دهند وزن اعتماد اجتماعی، در حدود چهار برابر مشارکت اجتماعی است و بیشترین واریانس تبیین‌شده نیز به اعتماد اجتماعی مربوط است. سرمایه اجتماعی هم با دغدغه زیست‌محیطی ارتباط معناداری دارد؛ یعنی بالاترین اعتماد اجتماعی در بین شهروندان، دغدغه و نگرانی نسبت به مسائل زیست‌محیطی - که هر دو به لحاظ مفهومی بار ذهنی دارند - را در سطح پایین نگه می‌دارد؛ یعنی شهروندان با اطمینان از رفتار هموعان خود در جامعه، درخصوص حفظ محیط زیست و رعایت مسائل زیست‌محیطی، دغدغه و نگرانی کمتری نسبت به مسائل زیست‌محیطی خواهند داشت. از دیگر یافته‌های پژوهش این است که بین مشارکت اجتماعی و دغدغه زیست‌محیطی ارتباط و همبستگی برقرار است، به‌گونه‌ای که با افزایش میزان مشارکت اجتماعی در بین شهروندان، مشارکت در حوزه مسائل محیط زیست هم افزایش می‌یابد که با افزایش میزان مشارکت مدنی که جنبه عینی و رفتاری و بار مثبتی دارد، از میزان دغدغه زیست‌محیطی که بعد ذهنی و بار منفی دارد، کاهش می‌یابد.

در کل، یافته‌های تجربی حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد سرمایه اجتماعی با دغدغه زیست‌محیطی همبستگی نسبتاً خوبی دارد.

دغدغه زیست‌محیطی =  $1/56 + 0/51$  (سرمایه اجتماعی)

بر اساس یافته‌های تجربی موجود در تابع رگرسیون غیراستاندارد نیز می‌توان گفت اگر تأثیرات متغیر سرمایه اجتماعی را ثابت نگه داریم، ارزش دغدغه زیست‌محیطی برابر با 1/56 است؛ یعنی متوسط میزان دغدغه زیست‌محیطی در بین کشورهای مورد مطالعه چیزی معادل 1/56 بوده است که به‌ازای یک واحد افزایش در میزان سرمایه اجتماعی 0/51 واحد افزایش در میزان دغدغه زیست‌محیطی تخمین‌زدنی است.

#### بحث و نتیجه

هدف اصلی پژوهش حاضر، سنجش میزان دغدغه زیست‌محیطی و آگاهی از تأثیر سرمایه اجتماعی بر دغدغه زیست‌محیطی است. روش پژوهش در این پژوهش، روش تطبیقی کمی است و داده‌های استفاده‌شده در این پژوهش مبتنی بر داده‌های به‌دست‌آمده از موج چهارم پروژه بررسی ارزش‌های جهانی (WVS) اینگلهارت و گروه پژوهش است. واحد تحلیل این پژوهش، کشور است و در مجموع به‌دلیل نبود داده برای برخی از کشورها در برخی متغیرها، تعداد نمونه پژوهش به 42 مورد محدود شده است.

نتایج توصیفی پژوهش نشان می‌دهد میانگین دغدغه زیست‌محیطی در کشورهای مورد مطالعه، 3/18 است که به نظر می‌رسد با توجه به مقدار بیشینه، دغدغه زیست‌محیطی که 3/78 است و کمینه که عددی نزدیک به 2/39 است، نمونه‌های مورد مطالعه، دغدغه زیست‌محیطی مطلوبی دارند. در سنجش سرمایه اجتماعی از دو بعد اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی بهره گرفته شده است. یافته‌های تجربی حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد دو متغیر اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی، همبستگی مثبتی با دغدغه زیست‌محیطی دارند، به‌گونه‌ای که میزان همبستگی اعتماد

سیاسی-اقتصادی، ش ۱۹۸/۱۹۷، تهران: موسسه اطلاعات.

اکبری، ا. (۱۳۸۳). نقش سرمایه اجتماعی در مشارکت: بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی، اجتماعی (مطالعه موردی: روستای فارسنج از توابع سقز)، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.

ای لوری، د. و کمپ، د. (۱۳۸۶). شهروندی سبز (دموکراسی سبز، عدالت سبز)، محمود روغنی، چاپ اول، تهران: انتشارات اختران.

بورديو، پ. (۱۳۸۴). «شکل‌های سرمایه اجتماعی» در سرمایه اجتماعی؛ اعتماد، دموکراسی و توسعه، گردآوری "کیان تاجبخش، ترجمه: افشین حاکباز و حسن پویان، تهران: نشر شیرازه.

بیکر، جی. اس. (۱۳۸۲). سرمایه اجتماعی و مدیریت، ترجمه: الوانی، م.، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

پاتنام، ر. (۱۳۷۹). دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه: دلفروز، م.ت، تهران: انتشارات وزارت کشور.

چلبی، م. (۱۳۸۴). «تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و جرم در سطح خرد و کلان»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۶، ش ۲، ص ۳-۴۲.

خوش‌فر، غ.ر. و صالحی، ص. (۱۳۸۸). «سرمایه اجتماعی و رفتار زیست‌محیطی»، همایش بررسی طرح مسائل اجتماعی استان مازندران.

خوش‌فر، غ. (۱۳۸۷). تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی: مطالعه موردی استان گلستان، رساله دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.

زاهدی، م.ج.؛ ملکی، ا. و حیدری، ا.ا. (۱۳۸۷). «فقر و سرمایه اجتماعی»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، س ۷، ش ۲۸، ص ۷۹-۱۰۶.

ساعی، ع.؛ کبیری، ا. و کسرابی، م. و صادقی، ح. (۱۳۹۰). «سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب: تحلیل

یافته‌های پژوهش در راستای نتایج پژوهش‌های اسکان و هولزر (۱۹۹۰) و ایورسن و راندمو (۲۰۰۲)، بار (۲۰۰۳)، تانگلت و همکاران (۲۰۰۴)، برنگوئر و همکاران (۲۰۰۵)، کیلبرنه و پیکت (۲۰۰۸)، صالحی و امام‌قلی (۱۳۹۱)، هاری استفان (۲۰۰۸)، اشام و همکاران (۲۰۰۲)، پرتی و وارد (۲۰۰۱)، خوش‌فر و همکاران (۱۳۸۸) در سطح ملی و نتایج پژوهش‌های مک میشل (۲۰۰۷) در سطح بین‌کشوری و تطبیقی است و همبستگی بین دغدغه زیست‌محیطی و سرمایه اجتماعی را نشان می‌دهد.

نتایج این پژوهش برخلاف نتایج پژوهش‌های سامدهال و روبرتسون (۱۹۸۹) و گوکن و همکاران (۲۰۰۲) در سطح ملی و همچنین پژوهش در سطح مقطعی بین‌کشوری گرافتمن و نولتز در سال ۲۰۰۳ است که برای ارزیابی تأثیر سرمایه اجتماعی - مدنی و عمومی - واگرایی اجتماعی و ظرفیت اجتماعی روی عملکردهای زیست‌محیطی ملی، گرافتمن و نولتز (۲۰۰۳) بر پایه داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی و مجموعه داده‌هایی در مورد عملکردهای زیست‌محیطی در دانشگاه‌های کلمبیا و ییل، تحلیل مقطعی در سطح کلان به اجرا گذاشتند. آن‌ها دریافتند سطوح بالای سرمایه اجتماعی و متغیرهای مربوط، با سطوح بهتر عملکردهای زیست‌محیطی ملی، لزوماً پیوستگی ندارند (Grafton & Knowles, 2003).

## منابع

آزاد ارمکی، ت. و ملکی، ا. (۱۳۸۵). «تحلیل ارزش‌های سنتی و مدرن در سطوح خرد و کلان»، فصلنامه علوم اجتماعی، ش ۳۰، ص ۹۷-۱۲۲.

ازکیا، م. و غفاری، غ.ر. (۱۳۸۳). توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران، تهران: نشر نی.

استیگلیتز، ج. (۱۳۸۲). «به سوی پارادایم جدید توسعه»، ترجمه: اسماعیل مردانی گیوی، ماهنامه اطلاعات

- Development". Impact Assessment And Project Appraisal*, 19(2): 161- 167
- Dietz, T. Stern, P.C. & Guagnano, G.A. (1998) "Social Structure and Social psychological Bases of Environmental Concern". *Journal of Environment and Behavior*, 30(4):450-471.
- Goldblatt, D. (1996) "Social Theory and the Environment". Oxford: Blackwell Publishers Ltd.
- Grafton, R. Q. and Knowles, S. (2003) "Economics and Environment Network Working Paper EEN0206": Social capital and national environmental performance, The Australian National University. Canberra.
- Hari, B. Dulal, R. and Astephan, K. (2008) Can Differences In The Quality of Social Institutions and Social Capital Explain Cross-Country Environmental Performance? World Bank.
- Isham, J. Kelly, T. and Ramaswamy, S. (2002) Social Capital and Well- being in Developing Countries: an Introduction, Edward Elgar, Cheltenham, U.K., 3-17.
- Iverson, H. Roundmo, T. (2002) "Environmental Concern and Environmental Behaviour among the Norwegian, Publice, Department of Psychology, Norwegian of Science and Technology", *Carfax Publishing*, 5(3): 265-279.
- Jsalehi, Salehi. [Http://www.sahar-jsalehi:blogfa.com](http://www.sahar-jsalehi:blogfa.com)
- Kilbourne, W. Pickett, G. (2008) "How Materialism Affects Enviromental Beliefs, Consern, and Enviromentally Responsible Behavior", *Journal of Business Research*, 61(9):885-893.
- McMicheal, M. (2007) "A social Capital Approach to Household Energy Consumption", University of Reading, United Kingdom.
- Pearce, D. and Barbier, E. (2000) *Blueprint for a Sustainable Economy*. London, Earthscan, Chapter 1,10.
- Putnam, R.D. (2000) *Bowling alone: The Collaps and Revival of American Community*. New York: Simon & Schuster.
- Portes, A. (1998) "Social Capital: Its Origins and Application in Modern Sociology". *Annual Review of Sociology*, 24(1): 1-24
- Schultz, P.W. and Zelezny, L. (1999) "Values as Predictors of Environmental Attitudes": Evidence for Consistency across 14 Countries". *Journal of Environmental Psychology*, 19:255-265.
- Sudarmadi, S. Suzuki, S. Kawada, T. Nehi, H. Soemantri, S. & Tri, T. (2001) "A Survey of Perception , Knowledge, Awareness, And Attitude in Regard to Environmental Problems in a Sample of Tow Different Social Groups in Jakarta, Indonesia", *Journal of Applied Social Psychology*, 31(1): 1-15.
- تطبیقی فازی بین کشوری از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸»، *مسائل اجتماعی ایران*، س ۲، ش ۲، ص ۶۳-۹۴.
- شارع‌پور، م. (۱۳۸۵). *سنجش سرمایه اجتماعی در استان مازندران (مناطق شهری و روستایی)*، مازندران: انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.
- عقیلی، س.م.؛ خوش‌فر، غ.ر. و صالحی، ص. (۱۳۸۸). «سرمایه اجتماعی و رفتارهای زیست‌محیطی مسئولانه در شمال ایران»، *مجله علوم کشاورزی و منابع طبیعی*، جلد شانزدهم، ص ۲۳-۳۹.
- صالحی، ص. و امام‌قلی، ل. (۱۳۹۱). «بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر رفتارهای زیست‌محیطی»، *مجله فرانکفورد*، ج. و نجمیاس، د. (۱۳۸۱). *روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی*، ترجمه: لاریجانی، ف. و فاضل، ر.، تهران: انتشارات سروش.
- فریتیوف، ک. (۱۳۸۶). *پیوندهای پنهان: تلفیق گسترده‌های زیست‌شناختی و اجتماعی حیات در علم پایداری*، ترجمه: حریری اکبری، م.، تهران: نشر نی.
- فوکویاما، ف. (۱۳۷۹). *پایان نظم (سرمایه اجتماعی و حفظ آن)*، ترجمه: توسلی، غ.ع.، تهران: انتشارات جامعه ایرانیان.
- فیلد، ج. (۱۳۸۶). *سرمایه اجتماعی*، ترجمه: متقی، ج.، تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- کلمن، ج. (۱۳۷۷). *بنیادهای نظریه اجتماعی*، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- Barr, S. (2003) "Strategies for Sustainability: Citizens and Responsible Environmental Behaviour", *Royal Geographical Society*, 35(3): 227-240.
- Berenguer, J. Corraliza, J. Martin, R. (2005) "Rural-Urban Differences in Environmental Concern, Attitudes, and Actions", *European Journal of Psychological Assessment*, 21(2):128-138.
- Corraliza, J.A. Berenguer, J. (2000) "Environmental Values, Beliefs, and Action: A Situational Approach". *Environment and Behavior*, 32(6): 832-848.
- Devin, W. and Chadwic, H. (2001) "Role of Social Capital in Advancing Regional Sustainable

- of Environment Development and Sustainability*. 3(2):169-183.
- Salehi, S. (2010) "People and the Environment: A Study of Environmental Attitudes and Behavior in Iran", Lambert Academic Publishing.
- Salehi, S. (2009) "Environmental Attitudes and Behavior in Iran: A Study in the Northern Provinces Using the New Environmental Paradigm", PhD thesis, Leeds University, UK.
- Samdhal, D. Robertson, R. (1989) "Social Determinants of Environmental Concern", *Journal of Environment and Behavior*, 21(1):237-256.
- Schahn, J. Holzer, E. (1990) "Studies of Individual Environmental Concern: The Role of Knowledge, Gender and Background Variables", *Journal of Environment and Behavior*, 22(6):224-247.
- Thoyre, A. (2008) "Community Effects on Individual Pro-Environmental Action: Social Capital and Environmental Sustainability in the USA, A Thesis For the degree of master of science", Lund University.
- Tonglet, M. Phillips, P. Margaret, B. (2004) "Determining the Drivers for Housholder Pro-environmental Behaviour: Waste Minimisation Compared to Recycling", *Resources Conservation and Recycling*, 42:27-48.
- Van Rooy, A. (2001) "Review: Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community", Robert Putnam. *Canadian Journal of Policy Research (ISUMA)*. 2(1): 127-130.
- Wakefield, S. Susan, E. John, E. and Donald, C. (2006) "Taking Environmental Action: The Role of Local Composition, Collective". *Environmental Management*, 37: 40-53.
- Weigel, R. and Weigel, J. (1978) "Environmental Concern: The Development of Measure". *Environment and Behavior*, 10(1): 3-15.

